

نزدیک به ۴۰ سال است که در کنار فعالیت های فرهنگی، بر علیه رژیم سرسپرده روضه خوانان، ایرانستانخواهان [تجزیه طلبان]، ایرانفروشان [خائنین و مزدوران بیگانه] فعالیت سیاسی دارم و در طی همه این سال ها بر این باور بودم که شاهزاده رضاپهلوی، با همه کم و کاستی هایش و اشتباهاتی که در گذشته مرتکب شده است، [۱] هنوز تنها شخصیت مهم و شناخته شده ایست که می تواند بعنوان راهبر، رژیم ضد ایرانی روضه خوانان را سرنگون سازد و به همین خاطر هم همیشه از او دفاع کرده بودم [۲]؛ البته انگیزه دیگر آن دفاع بدان خاطر بوده است که ایشان فرزند محمدرضاشاه و نوه رضاشاه بزرگ و وارث تاج و تخت پادشاهی ایران می باشد و بنده هم هوادار "پادشاهی پارلمانی" هستم! [۳] ولی شوربختانه، هر چه که زمان گذشته است، ایشان نشان داده و آشکار ساخته است که ناتوان است بعنوان یک راهبر و رهبر اپوزیسیون کارآرا بقای رژیم را به خطر انداخته یا حتا آسیب و خدشه ای بدان وارد سازد. ولی پرسشی که برای من و مسلماً برای بسیاری نیز ایجاد گشته است، آیا یک انسان می تواند تا به این اندازه عاری از بینش سیاسی و سردرگم باشد، یا آنکه همه این کجروی های ایشان از روی غرض انجام می شود و در پی سرنگونسازی رژیم نیست و هدف دیگری را دنبال می کند، از جمله در پی انتقام است؟! - در پی انتقام از اکثریت نادان و قدرشناسی که در سال ۵۷ فریب بیگانگان را خورده و "نظام اصلاح پذیر" شاهنشاهی را سرنگون ساختند، [۴] که سرانجام آن نه تنها امروز سیاهی که شاهدش می باشیم را پدید آورده است، بلکه مسبب آوارگی او و خانواده اش، درگذشت پدر دور از خاک میهن، خودکشی خواهر و برادر و ۴۰ سال برچسب های دروغ و ناسزاگویی به خاندانش بوده است!



Reza Pahlavi

@PahlaviReza

بسیاری از پیام‌ها و توییت‌های شما در
سالروز خروج پدر و مادرم از **#ایران** را
خواندم. بیاییم از خاطرات تلخ گذشته عبور
کنیم و به آینده‌ای روشن و پرامید برای
ایران عزیزمان بیندیشیم؛ آینده‌ای که در کنار
هم فارغ از جنسیت/عقیده/نژاد/قومیت،
ایرانی آزاد و آباد و پیشرفته را خواهیم
ساخت.

واپسین میخ‌ها بر تابوت سیاسی

هر زمانی که شاهزاده در یکی از نشست‌ها حضور بهم می‌رساند، [شوربختانه] یا بایستی حضورش را زیر پرسش برم و از
خود بیرسم، چه پیمانی در پشت پرده با بیگانگان بسته یا قولی بدان‌ها داده است (از جمله شرکت در نشست جنگواهان
آمریکایی در انستیتو هادسن و بنیاد آمریکن انترپرایز که هر دو در پی ایران‌سازی [تجزیه] ایران می‌باشند)، یا با نگرانی
در انتظارم که چه سخن ناشایستی بر علیه منافع و مصالح ملی را بر زبان می‌آورد؛ یا بایستی همواره نگران باشم، چه زمانی
گروهی که قرار بوده است رژیم را سرتگون سازد (از جمله شورای ملی)، از آن کناره‌گیری می‌کند و فردایش با چه
ایران‌فروشان و مزدوران دیگری (فرشگرد و ققنوس) ائتلاف کرده و در راس آنان در پی آدرس اشتباه به ملت ایران دادن
قرار می‌گیرد!

برای نمونه، ایشان در دو هفته گذشته واژگان و هشتک "#ایران_متحد" را ساخته و بر روی بکاربریش پافشاری می کنند؛ - واژه "متحدی" که بدون پیشوند "یکپارچه"، با پیشینه ایشان در دفاع از فدرالچی ها (بخوانید تجزیه طلبان خرنده و پنهانی)، ایران تکه پاره و نامتحد را ذهن ایجاد و ساختش را شک آمیز و پرسش برانگیز ارائه می دهد؛ - گویی که ایران نامتحد و درگیر یک جنگ درونی است که ایشان وظیفه خود دانسته است تا ملت را به اتحاد دعوت کند؛ - واژه "متحدی" که "ایالات متحده" و "فدرالیسم" را در ذهن زنده می سازد! بویژه آنکه چندی پیش ایشان، "ایران تکنژادی" را کشوری با "نژادهای گوناگون" خوانده بود، که بر حساسیت این گزینش واژگان و هشتک می افزاید.



همچنین، ناگفته نماند که ایشان در نشست سه روزه گروه ققنوس در تورنتو که از روز آدینه ۱۰ خردادماه آغاز شده است، نشانواره مضحکانه آن گروه را که جمله ای به زبان لاتین الکن [۵] بر رویش نقش بسته است را بر روی سینه خود، جایگزین نشان شیر و خورشید ساخته است، که توهینی به همه ملی گرایان و میهنپرستانی است که "پرچم سه رنگ شیر و خورشید نشان" را تنها نشان و درفش ملی و رسمی ایران می شناسند! البته این موارد یا نکته بینی ها برای آندسته کسانی (در حقیقت ایرانی نمایانی) که نسبت به مصالح و منافع ملی نه حساسیتی دارند و نه اهمیت آن را درک می کنند، ممکن است مساله ای پیش پا افتاد و ناچیز تلقی شود!

بهر روی، شوربختانه با وجود قشر خرافاتی-مذهبی در ایران که ستون فقره این رژیم بشمار می رود و هنوز در عالم توهم در انتظار برون آمدن مهدی از چاهی در جنوب تهران پس از ۱۰۷۸ می باشند؛ - روشنفکران تاریکمغزی که نیمه عرب-زده و نیمه دیگر غرب-زده و روس-زده اند؛ [۶] - مبارزان متوهم کیلویی در درون کشور که هر ۴ سال با ایجاد ترس و هراس از

جنگ، از مردم در پیوستن به صف رای گیری های نمایشی رژیم، بجای مبارزه و پایداری دعوت می کنند؛ [۷] - شمار بالای ایرانی نمایان بیگانه پرستی که نیمی تازی پرستند و نیمی دیگر آمریکایی پرست، ولی اکثریت آزادی را در زیر چکمه ها و در درون کوله پستی های آمریکایی می جویند؛ [۸] - وجود صدها هزار ایرانی-کُش و آدمخورهای رژیم که تشنه خون و گرسنه کُشتارند؛ - اکثریت اپوزیسیون های کوچک [۹] و بزرگی که ساخت و صادرات وزارت اطلاعات رژیمند و همواره به مردم آدرس غلط می دهند؛ - شاهزاده ای که شخصیتی است که توانایی سرنگونسازی رژیم را دارد، ولی همواره با گزینش های نادرستش، سخنان نسنجیده اش، کجروی ها و ندانم کاری هایش، که یک روز بجای رهبری اپوزیسیون، مبدل به کنشگر سیاسی آنهم از گونه "مخالقان واکنشی" [۱۰] می شود و روز دیگر در راس اپوزیسیون با جنگخواهان وطنی و صادراتی های رژیم که خود را فرشگرد نام نهاده اند ائتلاف می کند، [۱۱] تا کاروان مبارزاتی هواداران "پادشاهی پارلمانی" را به "سردرگم ناآباد" کشاند؛ - و سرانجام غریبان سوداگری که بقای رژیم را در راستای منافع خود می بینند تا از آن بعنوان مترسکی در منطقه بهره وری کرده [۱۲] و نفت را ارزانتر از آب خریداری و بجایش بنجالات نظامی خود را گرانتر از زر به تازیان کناره شاه پارس بفروشند، ترسم در اینست که این رژیم، نه ۴۰ سال دیگر بلکه ۴۰۰ سال دیگر هم بر سریر قدرت بماند!

نهاد پادشاهی چه با شاهزاده رضا پهلوی و چه بدون شاهزاده رضا پهلوی!

بعنوان یک باستانشناس و آشنایی ژرف و پژوهشی با تاریخ، تمدن و فرهنگ و خوی ایرانی، سامانه "پادشاهی پارلمانی" را بهترین و حتا تنها گزینه عقلانی و درست برای آینده ایران می بینم، بویژه آنکه نهاد پادشاهی، شالوده و یکی از پایه های فرهنگ ایرانی و بخشی جداناپذیر از هستی، هویت و تاریخ ایران می باشد، [۱۳] ولی دیگر شاهزاده رضا پهلوی را، با اوصاف امروزی دیگر در خور و شایسته احراز چنین مقامی نمی بینم و کسب اعتبار بخاطر فرزند محمدرضاشاه پهلوی بودن نیز دیگر کافی نیست! [۱۴]

بنابراین در آینده، همانگونه که در ایران باستان از جمله در زمان شاهنشاهی اشکانیان، ملت ایران پادشاهی را برای خود و

از میان خود برمی‌گزیدند، باری دیگر می‌توانند "پادشاهی" یا "پادبانوشاهی" [۱۵] را برای خود برگزینند؛ - یک ایرانی (چه زن و چه مرد) با شرف، فرهیخته، خردمند و محترم، که نه دستانش به خون ایرانی رنگین شده باشد و نه هواداری این رژیم یا بیگانگان را کرده باشد و مهمتر با همه ذرات هستی و وجودش، به ایران و ایرانی عشق ورزد و باورمند و پایبند به تمامیت ارضی ایران، ایران یکپارچه یک ملتی و تک‌ملیتی، ارزش‌ها و فرهنگ کهنسال ایران باشد!

تاریخ پادشاهی و نهادش بعنوان یک اندیشمان در ایران، نه با شاهزاده رضا پهلوی آغاز شده است و نه با او (که هرگز هم بر تخت پادشاهی ننشسته است)، به سرانجام می‌رسد!

شاپور سورنپهلوی

روزگوش از ماه خرداد سال ۳۷۵۲ بهدینی

۱۲ خرداد سال ۵۷۸۱ شاهنشاهی

۲ ژوئن سال ۲۰۱۹ ترسایی

بازبردها: [منابع] و فرامودها: [توضیحات]:

۱ - از جمله حذف واژه "فارس" از "خلیج فارس"، شرکت در نشست تجزیه طلبان عرب در لندن [پیشنهاد فدرالیسم](#) (بخوانید تجزیه طلبی!) برای آینده کشور و صدها نمونه دیگر.

۲ - [پاسخ به نامه سرگشاده محسن مخلمباف، اگر من شاهزاده رضا پهلوی بودم](#)

و - سورنپهلوی، شاپور، ["روضه خوانان متبحر و اپوزیسیون های متوهم!"](#)

۳ - "فردمحوری پادشاهی/سلطنت خودکامه و مطلق" و نیز "پادشاهی مشروطه" اشتباه نشود!

۴ - سورنپهلوی، شاپور، " از کودتا تا انقلاب مهندسی شده: چگونه بریتانیا، آمریکا و اسرائیل نظام شاهنشاهی را سرنگون ساختند؟"

و - سورنپهلوی، شاپور " برنارد لوئیس، طراح تجزیه ایران، پدرخوانده بنیادگرایی اسلامی، سازنده ولایت فقیه و پدرمعنوی جمهوری اسلامی را بشناسید!"

۵ - سورنپهلوی، شاپور " از رژیم 'عربزده' تا مخالفین 'عربزده': واشکافی نشانواره □ پروژه □ ققنوس"

۶ - سورنپهلوی، شاپور، " عرب زدگی 'روی دیگر سکه' 'عرب زدگی'؛ و خطری بزرگ برای هویت و فرهنگ ایرانی"

۷ - سورنپهلوی، شاپور، " شرکت در تعزیه رای گیری انتصاب ریاست جمهوری، مهر تائیدی بر ۳۹ سال استبداد مذهبی و شرکت مستقیم در همه جنایات رژیم است!"

۸ - سورنپهلوی، شاپور، " نظام وطنفروش و مخالفین خائن: پیرامون نامه نویسی سی تن باصطلاح مخالف ج.ا. به "دالند" ترامپ! "

۹ - سورنپهلوی، شاپور، " پروژه □ تخیلی "کوروش دو" در وزارت اطلاعات رژیم اسلامی کلید خورد "

۱۰ - این واژگان، از آقای تیرداد بنگدار وام گرفته شده است.

۱۱ - گر دایره کوزه ز گوهر سازند - از کوزه همان برون تراود که در اوست: گروه فرشگرد و ایرانستیزی

۹ - سورنپهلوی، شاپور، " هشدار دربار فرشگرد: سبب از درختش دور نمی افتد <http://bit.ly/2HVJNrE> - !"

۱۲ - سورنپهلوی، شاپور، " ترامپ و ایران: استخوان لای زخمی به نام جمهوری اسلامی! "

- ۱۳ سورنپهلوی، شاپور، " نهاد شاهنشاهی پارلمانی، تنها پاسدار و پایندان [ضامن] تداوم و ماندگاری ایران!" -

۱۴ - مگر آنکه ایشان، نه تنها از کجروی های سیاسی و از این شاخه به شاخه ای دیگر پریدن ها که یک روز شوای ملت است و روز دیگر فرشگرد و اکنون ققنوس دست برداشته و افراد ناشایست و ایرانفروشی که در پیرامون خود گردآورده اند را زدوده و پاک نموده، بلکه رسماً از "کنشگر سیاسی" و "مخالف واکنشی" استعفا داده و مبدل به یک راهبر و رهبر اپوزیسیون راستین شوند، و با گردآوردن مهرهای میهنپرست، خردمند با بینش سیاسی، طرح و برنامه ای کارآرا برای سرنگونسازی رژیم روضه خوانان ارائه دهند!

۱۵ - "پادبانوشاه" (شاه زن) می تواند بهترین جایگزین برای واژه "ملکه" سامی باشد!

□